

نقش زنان در تمدن سازی و گفتمان سازی انقلاب اسلامی

صغرا شریفی^۱

چکیده

در زندگی انسان از زمانی که در تاریخ اسلام می‌گذرد: «زنان در کنار مردان در تمام مراحل زندگی حضور داشته‌اند و زنانی که به صورت پی‌درپی افتخارشان این بود که در کنار مردان فعالیت داشته باشند؛ در تأثیرگذاری آن‌ها در تمام مراحل اجتماعی و سیاسی نقش به‌سزایی داشته‌اند. در دین اسلام، نقش زنان در دوره‌های خانوادگی و اجتماعی بیان کرده و برابری قرار دادن نقش زنان را سمت تمدن‌سازی و گفتمان‌سازی انسان می‌شناسد. در مکتب اسلام، بیان راهنمایی‌های قرآن و سنت نبوی و عترت پیامبر(صلی الله علیه و آله) به زن آن‌چه را که لایق او بوده، به او بخشیده و شرایط را به گونه‌ای فراهم آورده است که زن بتواند با حفظ شئون اسلامی و انسانی و با توجه به استعدادهایش به نمایش بگذارد، ولی نیاز به حضور او در تمام میدان‌ها، نقش او را حفظ می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که زنان در تمدن‌سازی و گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی به‌عنوان عاملی کلیدی در شکل‌گیری و پیشبرد اهداف انقلاب مورد توجه قرار دارند. زنان با مشارکت فعال خود در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به ترویج ارزش‌های اسلامی و تقویت هویت ملی کمک کردند و در نتیجه، تأثیر عمیقی بر تحولات اجتماعی و سیاسی کشور گذاشتند.» در این پژوهش؛ روش تحقیق به صورت توصیفی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

کلید واژه: انقلاب، انقلاب اسلامی، تمدن، زنان.

^۱ سطح دو، حوزه علمیه حضرت ام البنین (علیهاالسلام).

مقدمه

در طول تاریخ، مشارکت و حضور اجتماعی زنان: «نحوه مشارکت و حضور اجتماعی زنان، به طوری که حساسیت زیادی به جا گذاشته است. بنابراین؛ با ظهور کردن هر پیامبری، تغییراتی به نفع حقوق زنان صورت گرفته است؛ که به عنوان مثال در پرتو آیین مسیحیت، حمایت از بیوه زنان بیشتر شده است و حضور یافتن اسلام، نوآوری و درخشش خاصی در این حوزه به وجود آورده و از همان اول که زنده به گورکردن و سوءرفتار با دختران ممنوع و قوانینی اعمال کرده که تا بر اساس آن زنان متأهل از حمایت و حقوق بیشتری برخوردار بشوند که در جنبش‌ها و نهضت‌های فمینیستی مشاهده می‌شود. از همان ابتدا، در قرن بیستم و افراط و تفریط‌های زیادی در خصوص شرکت کنندگان زنان، که در مسأله مشارکت زنان از بیان آخرین دین اسلام، دارای اهمیت خاصی است. با رجوع به آیات قرآن و سنت نبوی این گونه می‌توان بیان کرد که الگوی مشارکت اجتماعی زنان را از منظر اسلام را به تصویر خواهد کشید که به دورشدن از سوء استفاده‌ها و پیمان شکنی در جامعه انسان می‌باشد. یکی از مهم ترین گروه‌های اجتماعی که تأثیرگذار از کیفیت زندگی که مؤثر بر آن هستند. این گروه بزرگ اجتماعی از آن جا که ارتباط موثری با گروه های اجتماعی جامعه دارند، علاوه بر وظایف شخصی و خانوادگی، نقش فعالی در پیشرفت های اجتماعی و توسعه پایدار ایفا می کنند. البته نقش زنان بسیار حساس و تعیین کننده‌ای در تمدن‌سازی و گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی دارند، آنان برای پیشرفت سریع توسعه پایدار جامعه، مسئولیت بسیار جدی و تعیین کننده‌ای بر عهده دارند و به این امر مهم رسیده‌اند که ضرورت ایجاد جامعه سالم در مشارکت آنان است.» در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در این زمینه و در ارتباط با موضوع پژوهش به صورت پراکنده نوشته شده است و هرکدام از این پژوهش‌ها به یک بحث در ارتباط با این موضوع پرداخته‌اند از جمله در مقاله: «نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت، نوشته: امیر محسن عرفان، ۱۳۸۹. در این مقاله: میزان تأثیر انقلاب اسلامی را در آموزه مهدویت و نگرش مردم به این آموزه نشان می‌دهد؛ و در مقاله: نقش انقلاب اسلامی در احیای آموزه های مهدویت، نوشته: داریوش بابائیان و دیگران، ۱۴۰۳، در این مقاله: در پی شناسایی نقش انقلاب اسلامی در احیای آموزه مهدوی و توسعه اندیشه مهدویت پرداخته شده است.» در پژوهش حاضر، هدف گذاری کوتاه بر نقش

زنان در تمدن سازی و گفتمان سازی انقلاب اسلامی می باشد. بر این اساس ما در این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالی هستیم که بیانگر و روشن کننده این تحقیق باشد ازجمله:

۱- نقش زنان در تمدن سازی و گفتمان سازی انقلاب چیست؟

۱- مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بحث های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آنها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱- زن

زن یک انسان بالغ ماده است. به طور کلی: «دختری را که دوران بلوغ و نوجوانی خود را تمام کرده و به سنی که در اکثر فرهنگ ها و جوامع معمولاً ۱۸ سالگی می باشد، را زن می گویند. اما این تعریف می تواند در هر فرهنگ، جامعه، تمدن یا قانون متفاوت باشد. واژه دختر برای انسان نابالغ ماده و فرزند ماده و گاهی در زبان عامیانه برای زنان جوان به کار برده می شود. در فارسی واژه های بانو، خانم و در قدیم خاتون برای اشاره محترمانه به زن کاربرد دارند. هم چنین واژه زن یک نام همگانی برای اشاره به انسان ماده است. مانند حقوق زنان. به طور معمول یک زن توانایی بارداری و زایش دارد؛ و به زن دارای فرزند، مادر گویند.»^۱

۱-۲- تمدن

تمدن سازی یعنی: «آن ویژگی های زندگی اجتماعی که متأثر از اسلام است. مانند این که گاهی فلسفه اسلامی می گوییم در مقابل فلسفه مسیحی، یعنی این فلسفه مسلمان هاست ولی گاهی منظور فلسفه ای است که متأثر از فکر اسلامی باشد یعنی اسلام آن را ابداع کرده یا پرورش داده و به کار گرفته باشد. در

^۱ راغب، مفردات، ج ۲، ص ۶۷۸.

این جا تمدن اسلامی، گاهی منظور تمدن مسلمان‌ها است. در کتاب‌هایی که غربی‌ها درباره تمدن نوشته‌اند، منظورشان همان تمدن مسلمان‌ها است. اغلب هم اسلام و عرب را مساوی می‌دانند.^۱

۱-۳- انقلاب

انقلاب یکی از موضوع‌های: «کلاسیک اندیشه اجتماعی انسان است و با اینکه مفهوم کلیدی در تفکر سیاسی مدرن به شمار می‌رود، مهم‌ترین مفهوم است. با این وجود، در رشته‌های مختلف علوم به کار رفته است. انقلاب، از نظر لغوی به معنای حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تحول و تقلب و تبدل تغییر کامل و مشخص در چیزی و یک چرخشی دورانی است. این واژه، از اصطلاحات اخترشناسی بود که بر حرکت دورانی و منظم و قانونمند ستارگان دلالت و تا قرن هفدهم، در همین چارچوب به کار رفته است.»^۲

در اصطلاح انقلاب کاربردهای مختلف دارد؛ مانند: «انقلاب صنعتی، انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی و انقلاب فکری. انقلاب در معمولی‌ترین معنای آن، تلاش برای ایجاد تحول بنیادین در سیستم حکومت است. یا این که تسخیر غیر قانونی و معمولاً خشونت آمیز قدرت است که موجب تحول اساسی در نهادهای حکومت می‌شود.»^۳

۱-۴- انقلاب اسلامی

به طور کلی، انقلاب اسلامی را می‌توان این‌گونه تبیین کرد: «انقلاب اسلامی، عبارت است از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن، منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت که بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم صورت می‌گیرد.»^۴

^۱ نشریه هفته نامه پرتو، سال نهم، ش ۴۰۸، ص ۱۰.

^۲ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۴۳۰.

^۳ عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۳، ص ۱۲۸.

^۴ راغب، مفردات، ج ۳، ص ۱۹۴.

این پدیده: «با توجه به میزان و نوع تغییراتی که به ویژه در داخل کشور پدید می‌آورد، به دو نوع اجتماعی و سیاسی قابل تفکیک است. انقلاب سیاسی با تغییر حکومت بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه است؛ اما انقلاب اجتماعی عبارت است از انتقال و دگرگونی سریع و اساسی حکومت و ساختارهای اجتماع و تحول در ایدئولوژی غالب کشور انقلاب اسلامی ایران، به گفته اندیشمندان این حوزه در شمار انقلاب‌های اجتماعی جای دارد؛ زیرا از یک سو، سبب تغییر در اساس و نوع حکومت شد و از سوی دیگر به تحول در ایدئولوژی غالب و رسمی کشور و خط‌مشی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در ابعاد داخلی و خارجی انجامید.»^۱

۲- تمدن سازی

با پیدایش اسلام و نشر سریع و گسترده آن: «در میان گروه‌ها و ملل و جلب و جذب فرهنگ‌های گوناگون انسان، بنای مستحکم و بزرگی از فرهنگ و تمدن انسان پایه‌گذاری شد که در ایجاد آن ملل و نژادهای مختلفی دارای سهمی بوده اند. در این صورت که این ملل بالارزش‌ها و ملاک‌های نوین اسلامی موفق به ایجاد تمدنی شدند که بدان تمدن اسلامی گفته می‌شود.^۲ که به وسیله دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شدند.»^۳

این تمدن یعنی: «به درجه‌ای از عظمت و کمال و پهنآوری است که آگاهی از همه جنبه‌های آن و احاطه بر همه انحای آن کاری دشوار است. تمدن اسلامی در زمان امویان در شام وارد دوره پختگی شد و در عصر عباسیان به اوج خود رسید و مرکز این تمدن درخشان شهر بغداد در سال‌های (۷۵۰-۱۲۵۸ م) و به روزگار خلافت امویان در اندلس در سال‌های ۷۵۵-۱۴۹۲ میلادی بود.»^۴

۳- جایگاه زنان

در آیه ۳۵ سوره احزاب: «زن در تابلویی که قرآن کریم ترسیم می‌کند، نیمه واقعی امت اسلامی است و بهره او در راه مدارج انسانی چون نقش و سهم مردان، تعیین‌کننده است. این نکته را پیامبر اسلام

^۱ عنایت، انقلاب اسلامی در ایران، ص ۲۷۱.

^۲ جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۹۱.

^۳ دیانت، بررسی مختصر فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۷.

^۴ حجازی، نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۱۴۰.

باشند. بر اساس فرموده حضرت امیر علیه السلام: خدا رحمت کند کسی که جایگاه و منزلت خویش را بشناسد.^۱

و چه بسا: «جهل به مقام و نقش زن، عامل اساسی در بی‌مهری و بی‌توجهی به این عنصر اثرگذار تمدنی است. تفکیک دو مقوله اثرگذاری اجتماعی و ارتباط و حضور مستقیم در جامعه برای از بین بردن این تصور غلط و بازسازی هویت زن در تمدن اسلامی مهم و راهگشاست. اثرگذاری اجتماعی لزوماً به معنای حضور مستقیم در جامعه نیست و حضور مستقیم در جامعه نیز همیشه مستلزم اثرگذاری نیست. البته این درصدد منحصراً ساختن نقش زن در فضای خانه نیست. بسیاری از نیازهای جامعه دینی، به‌خصوص اقتضائات و نیازهایی که به‌صورت انحصاری با جامعه زنان در ارتباط است، جز از راه زنان قابل‌پیگیری و تحقق نیست و این بدان معنا است که متولیان جامعه دینی باید از باب جامع‌نگری بهترین زمینه را جهت رفع نیازهای هر دو طرف، زن و مرد فراهم سازند.»^۲

^۱ آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۱۵۰۱.

^۲ اسلامی فرد، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، ص ۵۱.

نتیجه‌گیری

در تجربه اجتماع زنان یعنی: «این که در ادبیات تاریخی مسلمانان پس از هجوم مغولان و در دوران حاکمان عثمانی و مصر قابل مشاهده است. اما به طوری که رد پای بخشی از این نگاره‌ها در مجموعه‌های تاریخی قابل‌شناسایی است. در شرق اسلام، به برابری بودن نقش سیلسی و جهانی، روایتگری کم از این نقش نشان داده و بیشتر تک‌نگاری‌ها، ادبیات عرفانی مترجم‌ها و رجال و حدیث و سنن در این سرزمین هستند. در این روایت‌گری، خبرها نیز به اندازه حضور اجتماعی‌شان، منطبق شده است؛ یعنی در این منابع رابطه معنی‌داری میان نقش تاریخی و تاریخ نقش زنان دیده می‌شود. مطالعه در احوال شخصی زنان نشان می‌دهد که جامعه زنان از دوران بعثت، به همان اندازه که به کانون‌های حکمت یا حکومت و یا هر دو نزدیک‌تر بوده، زما بیشتری برای ابراز ظرفیت‌های بالقوه داشته است. از مدینه النبی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) تا دارالسلام شروع شده و عراق و دارالخلافه دمشق و اندلس و مصر، اغلب شخصیت‌های شاخص و تأثیرگذار از دودمان‌های حکیمان و حاکمان و عالمان برخاسته‌اند. با وجود این، زنان مسلمان تا قرن و عصر اخیر امام خمینی، نه در عرصه تولید اندیشه و دانش و نه در قلمرو نویسندگی و تاریخ‌نگاری و روایتگری، نقش درخشانی نداشته‌اند. در نهایت، می‌توان گفت که نقش زنان در انقلاب اسلامی نه تنها به‌عنوان یک نیروی اجتماعی، بلکه به‌عنوان یک عامل مؤثر در شکل‌گیری گفتمان‌های جدید و تمدن‌سازی اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نقش باید در مطالعات آینده بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا بتوان به درک بهتری از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی انقلاب اسلامی دست یافت و به تقویت مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف ادامه داد.»

منابع

*قرآن کریم

منبع فارسی

- ۱- احمدی، محمد، نقش اهل بیت (ع) و شیعیان در شکل گیری فرهنگ و تمدن اسلامی، نشریه الکترونیکی هفت اقلیم، ۱۳۹۵.
- ۲- اسلامی فرد، زهرا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، چاپ: اول، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۹.
- ۳- اقبال، محمد، احیای فکری دینی در اسلام، ترجمه: احمد آرام، تهران، بی نا، ۱۳۶۶.
- ۴- بینش، عبدالحسین، آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی، اداره عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، تهران، ۱۳۸۷.
- ۵- پاینده، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی اسلام، چاپ نهم، نشر: جاویدان، تهران، ۱۳۷۶.
- ۶- حیدری، حسن، ابراهیمی نسب، یوسف، جایگاه زن در گذر تاریخ و سیری در حقوق آن، تهران: اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- ۷- دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
- ۸- سالاری، حسن، تمدن اسلامی، پایگاه جزیره دانش، تهران: زرین، ۱۳۸۸.
- ۹- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه چاپ: نهم، قم، ۱۳۸۳.
- ۱۰- حجازی، فخرالدین، نقش پیامبران در تمدن اسلام، ناشر: بعثت، چاپ: دوم، ۱۳۵۲.

- ۱۱- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، جلد دوم، ترجمه: موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۱۲- عزیزی، حسین، جایگاه علمی زنان در تاریخ نگاری مسلمانان، پژوهش های تاریخی، دوره جدید، شاول، ۱۳۹۴ ش.
- ۱۳- عرونی موفق، اکبر، پیامبر اعظم (ص) بنیانگذار تمدن اسلامی، تهران: نسل جوان، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۴- عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴، نشر: تهران: عبدالحمید و محمد قاسم، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۵- کریمی، حمید، حقوق زن، تهران، کانون اندیشه، ۱۳۸۵.
- ۱۶- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، نشر: امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۶
- ۱۷- کاشی زاده، محمد، رسالت زن در تحقق تمدن اسلامی، عضو هیأت علمی گروه کلام پژوهشگاه، چاپ اول، ۱۴۰۰ ش.
- ۱۸- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳.
- ۱۹- ولایتی، علی اکبر، تاریخ و تمدن اسلامی، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۴ ش.
- ۲۰-.....، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۴ ش.
- ۲۱- یاسری، زینت، تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی، تهران: اندیشه، چاپ اول، ۱۳۹۶ ش.

منبع عربی

- ۱-العسقلانی، ابن حجر، الصابه فی تمییز الصحابه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- ۲-الهی، خراسانی، نقد پارادایمی رویکرد سنتی به نقش اجتماعی زن مسلمان، مجله حوزه، شماره پیاپی ۱۶۴، ۱۳۹۱.

فصلنامه

- ۱-مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره: ۲، ۱۳۹۹.